

# مشواره آن لاین

نشریه اینترنتی سی امین جشنواره فیلم فجر

## نگاهی به تفاوت نگاه داوران و منتقدان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹

معرفی نامزدهای بخش سینما حقیقت (مستند)  
معرفی نامزدهای بخش اقلام تلیفاتی

جدول ارزشگذاری نویسندگان  
بر فیلم های روز پنجم، ششم و هفتم

حواشی روزهای ششم و هفتم:  
از قهر و آشتی مدیران تا کشف بزرگان سینمایی

مردم از فیلم ها گفتند ...

گزیده حرف های  
نشست های نقد و بررسی  
روزهای پنجم، ششم و هفتم

برف روی کاج ها همچنان در صدر  
انتخاب های مردمی تا پایان روز ششم





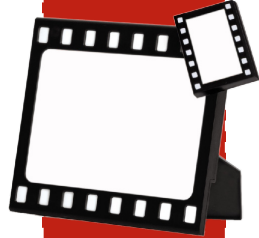
رده بندی آرای مردمی تا  
پایان روز هفتم  
**برف روی کاج ها**  
**همچنان در صدر**

۳- نارنجی پوش با ۱.۹۶  
۴- پل چوبی با ۱.۷۷  
۵- گشت ارشاد با ۱.۷۱  
۶- بی خود و بی جهت با ۱.۵۴  
۷- خوابم می آد با ۱.۴۶  
۸- پذیرایی ساده با ۱.۴۵  
۹- پله آخر با ۱.۰۸  
۱۰- ضدگلوله با ۱.۰۷

آرای مردمی جشنواره سی ام تا ۱۹  
بهمن بر اساس میانگین امتیاز به شرح  
زیر اعلام شده است:

مسابقه سینمای ایران  
۱- برف روی کاجها با ۳.۰۸  
۲- بوسیدن روی ماه با ۲.۴۴

مسابقه بین الملل  
۱- روزهای زندگی با ۰.۵۱  
۲- ملکه با ۰.۵۰  
۳- صدای تیره با ۰.۴۱  
۴- عمر قاتل من است با ۰.۲۸  
۵- سلطان قاتل من است با ۰.۲۷



شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
**سی امین**  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



## معرفی نامزدهای بخش سینما حقیقت (مستند)

■ نامزدهای بهترین تحقیق و پژوهش:  
- ۱۵۵۹ (محمد رضا ابوالحسنی)  
- خلیج فارس (ارد عطارپور و سعید ملیح)  
- در جستجوی پلنگ ایرانی (باقر نظامی بلوچی،  
محمدصادق فرهادی نیا، یزدان سینکایی، رحمان  
اسحاقی نیموری)

## معرفی نامزدهای بخش اقلام تبلیغاتی

■ کاندیداهای بخش عکس:  
- جواد جلالی برای «بدرود بغداد»  
- مهرداد امینی برای «ورود آقایان ممنوع»  
- مریم تخت کشیان برای «زندگی با چشمان بسته»  
- مهدی دلخواسته برای «پایان نامه»  
- آرزو اتحاد برای «سیزده ۵۹»

■ کاندیداهای بخش پوستر:  
- محمد روح الامین برای «اینجا بدون من»  
- امیرشیمان خاقانی برای «مرهم»  
- بهزاد خورشیدی برای «یه حبه قند»  
- عبدالحمید خزایی برای «شکارچی شنبه»  
- احسان برابادی برای «اینجا بدون من» و «آقا یوسف»  
در بخش بین الملل

■ کاندیداهای بخش آنونس:  
- نازنین مفخم برای «گلچهره»  
- مهدی سعدی برای «اینجا بدون من»  
- میثم مولایی برای «ورود آقایان ممنوع» و «مرهم»

### ■ نامزدهای بهترین فیلم مستند:

- مهرجویی کارنامه چهل ساله (تهیه کننده: مانی  
حقیقی، فرهاد توحیدی)  
- بهترین مجسمه دنیا (تهیه کننده: حبیب احمدزاده)  
- در جستجوی پلنگ ایرانی (تهیه کننده: فتح الله امیری  
و صداوسیمای مرکز مازندران)

### ■ نامزدهای بهترین کارگردانی:

- مهرجویی کارنامه چهل ساله (مانی حقیقی)  
- بهترین مجسمه دنیا (حبیب احمدزاده)  
- در جستجوی پلنگ ایرانی (فتح الله امیری)  
- اپیزود هملت در مجموعه کهریزک چهارنگاه (محسن  
امیریوسفی)  
- خلیج فارس (ارد عطارپور)

### ■ نامزدهای بهترین تصویربرداری:

- وقتی ابرها پایین می آیند (محمد لطفیان)  
- البرز (ارسطو مداحی گیوی)  
- دیلمان بهشت نیاکان (محمد رضا قوام پور)

### ■ نامزدهای بهترین تدوین:

- بهترین مجسمه دنیا (مجید شتی)  
- اپیزود هملت در مجموعه کهریزک - چهارنگاه (بهمن  
کیارستمی و پیمان خاکسار)  
- وقتی ابرها پایین می آیند (معین کریم الدینی)  
- مهرجویی کارنامه چهل ساله (بهمن کیارستمی، پیمان  
خاکسار و مانی حقیقی)

# حاشیه های روزهای ششم و هفتم جشنواره سی ام فیلم فجر از قهر و آشتی مدیران تا کشف بزرگان سینمایی

\* امروز فوتبالی ها به سینمای رسانه آمدند و کلی هیجان آفریدند. از مربی فوتبال قرمزها بگیر تا گزارشگر محبوب. دلیل اش را که همه دیگر می دانند. خداداد جان عزیزی لطف کرده بودند و در یک لحظه طلایی داخل آسانسور که قاب دوربین بود قرار گرفته بودند.

\* هفت روز گذشت و ما هیچ به این موردی که الان می نویسیم، اشاره نکرده بودیم. شاید دوستان خودشان به خودشان بیایند و فکری کنند قبل از این که ما جارش بزنیم. اما وقتی به خودشان نمی آیند ما مجبوریم که در بوق و کرنا کنیم که آی مسئولین سالن جلسه نشست، بنرهای بک گراندتان هیچ نشانی از سی سالگی ندارد. آقا جان سی ساله شدیم چرا ننوشتید که چند سال دیگر افتخارمان شود.

\* این گوشه و کنارهای جشنواره، فیلم های مستند و بین الملل هم پخش می کنند که خیلی هم استقبال می شود! آنقدر استقبال می شود که یکی از دوستان یکی از مستندسازان برای جذب مخاطب پلاکارتی آورده بود که مهجوریت ها را تمام کنید کمی هم ما را نگاه کنید. آخر هم نفهمیدیم که این دست نوشته یکی از دوستان یکی از مستندسازان توانست سالن را پر کند یا نه.

\* خبر خوش هم داریم، دوستانی که یک هفته به استراحت و مشغولیات خود پرداختید گویا تا آخرین روز هم می توانید به این کار ادامه داده و در آخرین سئانس آخرین روز یک سری هم به ما بزنید. کارت تان نسوخته.

\* در حاشیه قبلی از حضور سایر کسبه گفتیم، این بار سارقین محترم هم فعالیتی کردند تا ما نادیده شان نگیریم. سارق یا سارقین زبردست با قرض گرفتن یک دستگاه دوربین و یک عدد موبایل و یک فقره کیف از اتاق تدوین برنامه هفت، اخبار نیمه شبی مان را تکمیل کردند.

\* دستورالعملی به تمام شبکه های رادیو و تلویزیون و منتقدان و اصحاب رسانه های نوشتاری و مجازی ابلاغ شد که از بین این همه فیلم جنجالی! یک فیلم مثلا جنجالی را بگذارید در صندوقچه در بسته و دست هم به اش نزنید. این فیلم خطرناک است! دنبال چرایی اش نگردید که نمی گویند.

\* سینمایی ها که خواب ندارند، روابط عمومی های جشنواره هم که بی خواب تر، همین می شود که دوستان سینمایی بامداد به یاد خوش و بش با زحمت کشان ستاد خبری و روابط عمومی می افتند.

روز هفتم هم گذشت و ما در آستانه هشتمین روز جشنواره فیلم فجر در حال نگاشتن رخدادهایی هستیم که زیرپوست جشنواره در سالن سینمای رسانه اتفاق افتاده است. این هفت روز گذشته، پر هیاهو و جنجال - نه به معنای منفی البته - خود، بستری شد برای اتفاقات ریز و درشتی که نیازی نیست که به دنبال شان بروی، خودشان می آیند و به گوش تو اصابت می کنند. حتی اگر دم دمای غروب آمده باشی یا تمام زمان حضور را در سالن گذرانده باشی.

خسته نشوید از این که حاشیه های ما هر بار با نشست پرسش و پاسخ شروع می شود، این جلسات تغییر ماهیت داده، لبریز حادثه اند. ما هم که رسانه ای مسئول هستیم خود را موظف می دانیم بی هیچ کاستی همه را بیان کنیم!

\* روز ششم با فیلمی شروع شد که همه می گفتند با این همه بازیگر ریز و درشت حرفی برای گفتن دارند. این فیلم حرف برای گفتن داشت یا نداشت، به ما ربطی ندارد! اما انگار دوستان رسانه ای ما حرف زیاد داشتند. بماند که خنده ها و دست زدن های دوستان برای مان عادی شده و مجبوریم از میان صداهای مدام خنده و کف هایی که محکم به هم می خورند کمی هم صدای فیلم را به سختی و با گوش چسباندن به بلندگوهای کناری سالن بفهمیم. این بار گروه، دسته، عده - یا هرچه که دوست دارید نام اش را بگذارید - به معنای واقعی خود توانستند با تکه پرانی و انواع و اقسام کارها نظم سالن را به هم بزنند. حالا بماند که ما شنیدیم انگار این اتفاقات از تسویه حساب های شخصی می آمده!

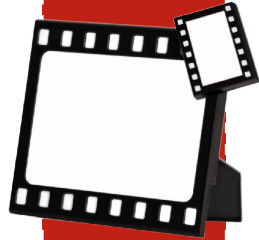
\* تارانتینو برای جشنواره فیلم فجر، فیلم ساخت! کارگردان عزیزی که با همه اصحاب رسانه سلام و عیلق گرمی هم دارد، در یک حرکت افتخارآمیز و غرور آور منتقد نشست خود را داینامسور دنیای نقد خواند. این تارانتینوی سینمای ایران توانست با فیلم فاخر خود - نقل قول صریح از شخص ایشان - داوران را با چالشی جدی برای انتخاب بهترین های جشنواره مواجه کند.

\* نشست های روز هفتم هم به لیست حواشی پیوست خوردند. اولین فیلم را که منتقدش حاشیه سازی کرد. این منتقد دلسوز سینمای ایران چنان صریح از بازیگران فیلم تقدیر کرد که اشک را به چشمانشان آورد. سومین نشست هم که حضور کارگردان دوست داشتنی اش کافی بود برای جذاب بودنش. هرچقدر هم ما اهالی رسانه سعی کردیم این مرد طنز را زیر سوال ببریم و با انگ چسبانی راهی خانه اش کنیم او پیش دستی کرد و تیتز داد: من آدم رکیکی هستم. نشست بعدی هم که جمعی از دوستان بامزه سینمای ایران را یکپه دور خود جمع کرده بود پر از حرکات خنده دار بود که کلی اهالی رسانه را شاد کرد!

شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر





## فیلم های جشنواره از نگاه مردم

شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



و متعاقبا داستان خوبی داشت فیلم بهتری میشد. انتخاب هدیه تهرانی - علی رغم بازی خوبش - برای نقش نازلی هم دیگر مشکل فیلم بود.

### اوبتسا افشارطوس

فیلم بسیار خوب با بازیهای درخشان بود. در اکران عمومی قطعاً موفق خواهد بود.

### روناک

**■ تلفن همراه رئیس جمهور**  
امروز در سومین روز از جشنواره فیلم فجر (اصفهان) دو فیلم از دو کارگردان های اصفهانی یعنی علی عطشانی و همایون اسعدیان به روی پرده رفت همچنین فیلم یک سطر واقعیت هم اکران شد من ۳ فیلم رو دیدم فیلم عطشانی بیشتر به من چسبید و به نظر میرسد که حالا تازه عطشانی به آن بلوغ کارگردانی خودش رسیده است و میتواند فیلمهای خوب دیگری رو بسازد بازی مهدی هاشمی هم عالی بود و در فیلم بعضی موقع ها احتیاج به زیر نویس بود چون در بعضی سکانس ها که گیلانی حرف میزدند واقعا آن قدر غلیظ بود که من نمیفهمیدم چی دارند میگویند و فیلم چند جای حرف های سیاسی ای داشت که تماشاگران خیلی خوششان آمد حتی خود من البته فیلم بوسیدن روی ماه هم فیلم خوب، آروم و دلنشین بود.

### فائز

### ■ برف روی کاج ها

تا قبل از دیدن فیلم خیلی ناراحت نبود اصغر فرهادی در جشنواره امسال بودم و با خود می گفتم کاش بهترین کارگردان ایران امسال فیلم داشت. اما حالا خوشحالم که بهترین فیلم جشنواره را (تا حالا) را دیدم و غمم از بین رفت. واقعا فیلم عالی بود. بسیار لذت بردم.

### علی جریان

به عنوان اولین تجربه کارگردانی باید به آقای معادی تبریک گفت.

عالی بود. از دیدنش بشیمون نمی شید... بازی خانم افشار هم خیلی خوب بود تبریک!

### سماء

### ■ بی خود و بی جهت

این فیلمو تو سینما شکوفه دیدم ۴۰۰ صندلی داشت ولی حدود ۸۰۰ نفر تو سالن بودند من که روی راه پله ها نشسته بودم.

فیلم عالی بود. کامل شده هیچ و اسب ... بود. شیرینی طنز تلخ این شاهکار کاهانی هنوز زیر زبانه هست.

### عبداله

### ■ پل چوبی

به نظر من پل چوبی مشکل فیلمنامه داشت. اگر فیلمنامه

## چک

اثر متوسطی بود که از کارهای قبلی راست گفتار کمی بهتر بود. تخت بودن فیلم از نقاط ضعف فیلمنامه است.

## علی جریان

این فیلم تو جشنواره دیدم. واقعا قشنگ بود. طنز زیبا و موضوع جالبی داشت. من که لذت بردم.

## حسام

## راه بهشت

فیلم ضعیفی بود. کافی است اثرگزاری فصل شهادت حضرت حمزه را با فصل شهادت ایشان در فیلم محمد رسول الله مقایسه کنیم تا ببینیم تا چه اندازه فیلم ضعیف عمل کرده.

البته آنجا حمزه شخصیت اصلی بود اما به طور کلی فیلم نتوانسته بود مخاطب را تحریک کند

## علی جریان

## ملکه

بالاخره فیلم درست و خوب توی جشنواره دیدم که اول از همه تکلیفش با خودش و بعد با مخاطبش روشنه و کارگردان میدونه داره چیکار میکنه. فیلمنامه ی درستی داره که به لطف همین فیلمنامه تونسته قهرمان بسازه و با فیلمبردا ی عالی زرین دست فیلم تقریباً یک دستی رو روی پرده شاهدش بودم. تا اینجای جشنواره بهترین فیلم و یک بازی خیلی خوب از نقش اول مرد، میلاد کی مراد که مهم نیست ژانر دفاع مقدس رو دوست داشته باشیم یا نه، چرا که فیلم درست و خوب رو باید تمجید کرد و با دقت زیادی راجع بهش بحث کرد.

## هیراد

بالاخره بعد از مدت ها ما یک فیلم واقعا جنگی در ژانر دفاع مقدس دیدیم. فیلم قوی بود و کی مراد هم خوب بازی کرده بود. فیلمبرداری عالی بود.

ولی خوب، فیلم اشکالات زیادی هم در فیلمنامه داشت.

## علی جریان

## نارنجی پوش

بعد از دیدن طهران: روزهای آشنایی به خودم می گفتم که این یک اتفاق یا یک زنگ تفریح در کارنامه فیلمساز محبوبم است و مطمئناً اثر بعدی همچون قبلی ها فاخر است اما آسمان محبوب به کلی ناامیدم کرد. اما با خود کلنجار رفتم که شاید این هم اتفاقی بیش نبوده و تمام امیدم را به نارنجی پوش بستم.

و امروز دیگر ناامید شدم...

نمی دونم خالق درخت گلابی بعد از سنتوری دیگر نمی خواهد با دغدغه فیلم بسازد و سینما برایش تفریح شده یا واقعا تلاشش را می کند و نمی شود...؟!

بسیار زشت و خجالت آور که ما بخواهیم در برابر خالق هامون از فرم و محتوا سخن بگوییم اما چرا بعد از دیدن این سه اثر آخر با خود زمزمه می کنم که «حرف زیبا در ساختار زیبا معنا می یابد و راه محتوا از فرم می گذرد...» نمی دانم، شاید مهرجویی خسته شده و نمی خواهد مانند قبل فیلم بسازد...

## علی جریان

## یک روز دیگر

به نظرم فیلم بسیار خوبی بود. یه جاهایی ریتم کند میشه اما به حق پایان بسیار استادانه ای داره. آفرین به حسن فتاحی

## میلاد

شماره سوم

۲۰ بهمن ۱۳۹۰

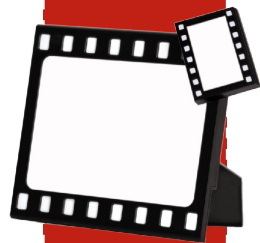
نشریه اینترنتی

سی امین

جشنواره بین المللی

فیلم فجر





شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



# گزیده حرف های نشست نقد و بررسی روزهای پنجم، ششم و هفتم

فیلم بر پرده سینما حس می کنید که اشتباه کرده‌اید. اما در مورد فیلم «آمین خواهیم گفت» و نقش‌ام هیچ اشتباهی انجام نشده است و از حضور در این فیلم کاملاً راضی هستم.

مازیار فکری ارشاد: فیلم دارای یک جهان بینی و روایت لامکان و لازمان را تصویر می‌کند. شخصیت های این فیلم با سکون و سکوت در زمان مانده‌اند و تنها مرگ است که آنان را به حرکت وادار می‌کند. به علاوه موقعیت‌های پارادوکسیکال این سکون را در جهانی که با دنیای بیرونی بی‌ارتباط است نشان می‌دهد و این جاست که نیاز به ارتباط برای افراد فیلم مشخص تر می‌شود. بی‌تعادلی این جهان به خوبی تصویر شده است حتی در سکانس هایی که گرگر روی رودخانه خروشان بی‌تبادل می‌شود و در میان راه می‌ماند. همین طور مسئله بحران هویت جنسی که در فیلم بیان می‌شود اما در این مجال نمی‌توان به آن پرداخت. با تمام این تعبیر و تفصیل ها چرایی ساخت این اثر مشخص نمی‌شود، همان سوال معروف که چی؟ افتتاح خوب درام و قصه خوب در دام ریتم کند و بی اتفاق گیر می‌افتد، و تا دقیقه ۷۰ فیلم شما در انتظار رخدادی در قصه منتظر می‌مانید. این مشکل در اکثر فیلم‌های امسال جشنواره به چشم می‌خورد. انگار که سینماگران ما قصه گویی را فراموش کرده اند. هرچند که باید متذکر شد فیلمسازی برای سینمای هنری کار دشواری است.

سامان سالور: باید متذکر شوم که زمان فیلم ۸۵ دقیقه است و این خود بیانگر این مطلب است که من از پس همراه کردن مخاطب با داستان خود برآمده‌ام، زمانی که برای شما حس نشده است. این قصه از زمانی که جماعتی جسدی را می‌آورند تا حسن گرگر به آنطرف رودخانه بردش آغاز می‌شود. این فیلم، قصه آدم هایی را بیان می‌کند که هرکدام با وجود موقعیت های مختلف خود تنها هستند اما همه به آینده امیدوارند.

این فیلم در ژانر مستند داستانی نبوده هرچند که به خاطر بازی های فیلم چنین احساس به وجود آمده است که بی شک باعث خوشحالی است.

سامان سالور: ارجاع به فیلم «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» در این فیلم با تعمد انجام شده است. قصه های مختلف در ۵ فیلم متفاوت با پرداخت های گوناگون همه بیانگر مفهوم تنهایی آدم

## ■ آمین خواهیم گفت – ۱۷ بهمن

نشست نقد و بررسی فیلم «آمین خواهیم گفت» با حضور سامان سالور (کارگردان)، سید امیر سیدزاده (تهیه کننده)، حسن زاهدی (صدابردار) و آزاده زارعی، علیرضا مهران و فرزاد حسنی (بازیگران)، مازیار فکری ارشاد (منتقد) روز یکشنبه ۱۶ بهمن در سالن سعدی مرکز همایش های برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

سامان سالور: این قصه با توجه به پتانسیلی که برای تبدیل به یک داستان بلند سینمایی را داشت به فیلمنامه تبدیل شد. با حضور سیدزاده تهیه کننده مراحل تولید آغاز شد و در ۵۵ جلسه فیلمبرداری انجام شد.

از نظر من این فیلم با چهره پردازی ویژه، فیلمبرداری صحیح و همخوان توانست بازی های برجسته بازیگران خود چون آزاده زارعی که برای اولین بار جلوی دوربین قرار گرفت را به نتیجه برساند. این فیلم برخلاف جریان مد شده سینمای هنری است. این فیلم با وجود تمام سختی هایش با دوستی و انرژی فراوان ساخته شد.

سیدامیر سیدزاده: «آمین خواهیم گفت» برای سینمای مدرن ساخته شده است. با این وجود واکنشی که از مخاطبان در سانس های مختلف سینماهای گوناگون دیدم همه رضایت داشتند. اینجا بعد از اکران فیلم دوستی به من گفت که فیلم شما مجوز اکران نمی‌گیرد. این اظهار نظر جالب بود چرا که این فیلم با توجه به پروانه ساخت و با تمام جزئیات تأیید شده ساخته شده است و اگر نتواند اکران بگیرد باید دلیل قانع کننده ای وجود داشته باشد.

حسن زاهدی: در کارنامه ام هیچ تجربه بی دفاعی وجود ندارد. این کار هم با تمام سختی هایش قابل قبول و دفاع است. هرچند کار من با صداگذاری بسیار خوب فیلم تکمیل شد و از نتیجه ای که امروز در سالن دیدم، راضی بودم.

فرزاد حسنی: گاهی انتخاب فیلم ها در مرحله فیلمنامه شما را با تردید مواجه می‌کند، گاهی این فیلمنامه شما را به جلوی دوربین می‌برد اما آن زمان پشیمان می‌شوید و حتی گاهی بعد از دیدن



من از خانم نعمتی اجازه گرفتیم که این مسئله را برای شما توضیح دهم زمان فیلم برداری فشار روحی و بار حسی روی ایشان زیاد بود اما تلاش خودش را می کرد که این فیلم تبدیل به یک فیلم هندی نشود. او اشک هایش را پشت صحنه می ریخت تا جلوی دوربین راحت تر بازی کند.

های این عصر هستند. در «آمین خواهیم گفت» نیز این مسئله خط اصلی داستان است. از طرفی ارجاع ها مستقیم این فیلم به خاطر رنگی از طنز بوده است که احساس کردیم برای فضای کار لازم به نظر می آید.

## ■ یکی می خواد باهات حرف بزنه - ۱۷ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم «یکی می خواد باهات حرف بزنه» با حضور منوچهر هادی (کارگردان)، فرشته مهدی زاده (تهیه کننده)، آنا نعمتی، یکتا ناصر و هانیه غلامی (بازیگران) بدون حضور منتقد دوشنبه ۱۷ بهمن ماه در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

فرشته مهدی زاده: بسیار خوشحالم که به عنوان یک زن توانستم روی پای خودم بایستم و فیلم شریفی را با کمک آقای هادی بسازیم.

آنا نعمتی: از همه دوستانی این برای اولین بار بود که فیلم را می دیدم و دوست دارم از همین جا به تک تک همکارانم به خاطر آرامشی که به من دادند خسته نباشید بگویم. این نقش به شدت حسی بود و سختی های خودش را داشت دست همه آنهایی که من را راهنمایی کردند می بوسم.

منوچهر هادی: در فیلم نامه اولیه قرار نبود آقای حسینی در سکانس پایانی حضور داشته باشند. زمانی که فیلم نامه را به او دادیم با توجه به این که فیلم «قرنطینه» من را هم ندیده بود، گفت باید با کارگردان صحبت کنم. بعد از صحبت با من و خواندن فیلم نامه از من خواهش کرد سکانس پایانی را با اجازه خانم نعمتی او بازی کند و من سعی کردم با این مسئله، لطمه ای به داستان نخورد.

نعمتی (در رابطه با تشابه نقش هایش از دید یکی از حضار): خوشحالم که کارهای من را دیده اید و مورد توجه تان قرار گرفته است. من از انتقاد استقبال می کنم به نظرم در چند کار آخری که داشتم هیچ کدام از نقش ها شبیه یکدیگر نبود اما از این به بعد تلاش می کنم در انتخاب هایی که مجاز هستم نقشی را برگزینم بیشتر مراقب باشم در تمام این مدت نیم پله نیم پله، سینما را بالا آورده ام و هنوز جا برای پیشرفت هست.

مهدی زاده: از لحظه ای که من و آقای هادی به هم رسیدیم آنقدر حس خوب به سناریو داشتیم و آنقدر پیام های خوبی برای شخصیت ها بود که همه سختی ها را پشت سر گذاشتیم فکر می کنم هنوز مشکل سینمای ایران فیلم نامه خوب است ما در مورد این فیلم باز هم کم کاری کردیم و اگر وقت بیشتری می گذاشتیم نتیجه بهتری داشت.

یکتا ناصر (در رابطه با بازی سرد آنا نعمتی از دید یکی از خبرنگاران):

## ■ چک - ۱۷ بهمن

نشست نقد و بررسی فیلم «چک» با حضور کاظم راست گفتار (کارگردان، تهیه کننده و فیلمنامه نویس)، مریم سعادت، مژگان بیات، شاهرخ استخری (بازیگران) و آرش برومند (صدابردار) و علی اصغر کشانی (منتقد) روز دوشنبه ۱۶ بهمن در سالن سعدی مرکز همایش های برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

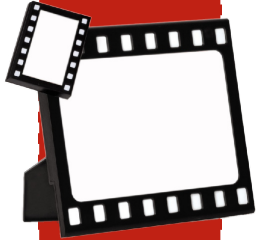
در ابتدای نشست کاظم راست گفتار در آغاز متنی را قرائت کرد به این مضمون: «و من روزی کلنگی بر دوش خواهم گذاشت و جلد همه کتاب های جهان را پاره خواهم کرد. بر روی تیتراژ همه فیلم های جهان شوی شهرام صولتی ضبط خواهم کرد. بر کله همه تئوری پردازان جهان گونی خواهم کشید. و همه آهنگ های جهان را به ترک یک mp3 تبدیل خواهم کرد. من جهان را از بیماری پیش داوری ناشی از نام ها نجات خواهم داد. آن وقت تو را دعوت می کنم که همه کله پاچه ای با هم بزینیم و هم فیلم های بی نام ببینیم، بی آن که بدانیم روبربرسون آن را ساخته یا قدرت اله صلح میرزایی.»

کاظم راست گفتار: نویسندگی و کارگردانی در تمام کارهای من با هم اتفاق می افتد و این تازه نیست. اما این که تهیه این فیلم را نیز خودم انجام دادم به این دلیل بود که نمی توانستم چنین فیلمی را با این شکل و شمایل و کیفیت برای یک تهیه کننده خصوصی ببرم و توقع ساخت آن را داشته باشم.

شاهرخ استخری: کار با راست گفتار متفاوت و خوب است از آن جهت که شما می دانید چه باید بکنید. همه چیز سر جای خودش قرار داشت.

مریم سعادت: از نظر من سخت ترین سکانس این فیلم خروج دسته جمعی مان از مسافرخانه بود در برداشت هایی که تکرار شد فهمیدم که کارگردان به تمام جزئیات صحنه اش حتی در شلوغ ترین آن ها نیز دقت می کند، آن جا بود که خیالم راحت شد که انتخاب درستی کرده ام.

آرش برومند: در اکثر سکانس های فیلم دوربین روی دست استفاده شده است، صحنه های پر پرسوناژ و پر دیالوگ که برای صدابرداری نیازمند طراحی بودند. این طراحی در صحنه های مختلف با توجه به همان صحنه اتفاق می افتاد. در ادامه مژگان بیات نیز از تمرین



شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



یک هفته ای که با ماشین و به عنوان یک راننده در سطح شهر انجام داده است گفت.

علی اصغر کشانی: فیلم راست گفتار در میان امثال خود یک سرو گردن بالاتر است. این فیلم با ریتم یکسان و خبو خود و قصه مطلوبی که روایت می‌کند با شوخی‌های موقعیتی که کمتر به شوخی کلامی بدل می‌شدند توانست به این جایگاه برسد. علاوه بر این که فیلم به نسبت کارهای قبلی کارنامه کارگردان خود نیز متفاوت و بهتر است. منطقی که کاظم راست گفتار در ساخت و طراحی موقعیت‌ها استفاده کرده است نسبت به کارهای تجاری دیگر خوب و قابل قبول است. اما گویا برخی از این موقعیت‌ها دچار ساده انگاری شده‌اند و با بی‌توجهی، بعد از طرح بی‌استفاده مانده‌اند. حتی به نظر می‌رسد برخی از این سکانس‌ها به خاطر حفظ جایگاه قبلی کارگردان است که در کارنامه‌اش نیز به چشم می‌خورد.

کاظم راست گفتار: با توجه به سخنان شما باید بگویم شاید در این ترافیک فیلم بینی که در جشنواره اتفاق می‌افتد، آن میزان توجهی که برای یک اثر لازم است وجود ندارد. موقعیت‌های فیلم با توجه به یکدیگر طراحی شده‌اند و هر کدام که رخ می‌دهند پیش زمینه‌ای برای رخداد بعدی هستند. هرچند در برخی از موارد با شما موافق هستم. اما این اتفاق از ۱۱ اصلاحیه‌ای که به فیلم زده شد هم نشأت می‌گیرد. بی‌شک حذف بخش‌های متعددی از فیلم که در کنار هم و در یک ارتباط منطقی با هم قرار گرفته‌اند باعث می‌شود که برخی قسمت‌های فیلمی که اکنون در مقابل شما قرار گرفته‌اند بی‌دلیل باشند. با این وجود مقصر اصلی من هستم که نتوانستم در روایت داستانی‌ام به جایی دست یابم که حتی با اصلاحیه و حذف، لطمه‌ای به داستان و روایت‌ام وارد نشود.

راست گفتار در رابطه با سکانس نماز جمعه گفت: این سکانس بر اساس یک اتفاق ساده شکل گرفت. بعد از ۳۳ سال یک دوربین فیلمبرداری سینمایی توانست به نماز جمعه راه پیدا کند. گرچه بعد از دکوپاژ صحنه‌ها به این نتیجه رسیدیم که باید این سکانس‌ها را حذف کنیم اما بعد حس افتخاری که از این اولین بار داشتیم، باعث شد که چنین تصمیمی نگیریم. هرچند با توجه به حرف‌هایی که زده‌ام این بی‌ربطی یا از روایت بدی است که من انتخاب کرده‌ام و یا شاید به خاطر اصلاحیه‌هایی که حتی در مورد این سکانس نیز وجود داشت.

(پرسش بعدی به طرح سریال نوروزی سال ۹۰ بود که با شباهت‌های بسیار حتی در دیالوگ‌ها نسبت به فیلم «چک» به نظر برداشت و یا حتی کپی برداری شده است، اشاره داشت.)

راست گفتار: طرح این سریال که با استفاده از فیلمنامه آماده «چک» نوشته شده بود توسط شبکه پنج سیما که از این امر مطلع و توقیف شد.

به سینمای این روزگاران ایرادی وارد است و آن هم اختراع ژانرهای مختلفی است که برای فیلم‌های مختلف انتخاب می‌شوند. فیلم من به هیچ‌کدام از این ژانرها تعلق ندارد. «چک» فیلم جاده‌ای است که تمام اتفاقات در یک خط و مرتبط و در خدمت یکدیگر رخ می‌دهند. با این وجود باز هم اعلام می‌کنم که اگر مشکلی هست تنها از طرف من اتفاق افتاده که با توجه به سه مسئولیت اصلی‌ای که در این فیلم بر عهده دارم نیز قابل باور است.

باید اعتراف کنم که ریتم فیلم تا قبل از سکانس نماز جمعه خوب است و یک روال مشخصی را طی می‌کند اما بعد از این سکانس

ریتم افت می‌کند تا جایی که داستان دچار کندی ریتم و یکنواختی می‌شود.

## پل چوبی - ۱۸ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم «پل چوبی» با حضور مهدی کرم‌پور (کارگردان)، خسرو نقیبی (فیلمنامه‌نویس)، مهناز افشار، بهرام رادان و برزو ارجمند (بازیگران)، کارن همایون‌فر (آهنگساز) و علی سرتیپی (تهیه‌کننده) سه شنبه ۱۸ بهمن ماه در سالن سعدی مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار شد.

مهناز افشار: من فیلم «چه کسی امیر را کشت؟» را با آقای کرم‌پور کار کرده بودم و از همان‌جا متوجه شدم نگاه او به سینما متفاوت است. قصه فیلم «پل چوبی» و نوع پرداخت به آن برایم جالب توجه بود. البته هر کاری نقاط ضعف و قوت خودش را دارد اما اگر از دید کارگردان به فیلم نگاه کنیم، متوجه لحظات خوب فیلم می‌شویم.

بهرام رادان: در دورانی که تصمیم گرفتیم کمتر کار کنیم، فیلمنامه‌ها باید جوری باشند که بتوانیم به آنها اعتماد کنیم. امیر فیلم مردی شرقی است با حس خیانت و عشق. فکر می‌کنم مردهای ایرانی بالقوه این خصوصیت را داشته باشند. من خیلی وقت‌ها خودم را جای امیر می‌گذاشتم و فکر می‌کنم آدم‌های جامعه ما معمولاً این ویژگی‌ها را دارند.

سعی کردم همه چیز را رعایت کنم که مردی از طبقه متوسط با لباس و سر و شکل آدم‌های معمولی باشد و مخاطب بتواند با آن همذات‌پنداری کند.

کارن همایون‌فر: امیدوارم از موسیقی فیلم راضی باشید و خیلی اذیت نکرده باشد. البته موسیقی فیلم در این سالن خیلی شنیده نمی‌شد و امیدوارم در سالن‌هایی که برای مردم فیلم اکران می‌شود، موسیقی شنیده شود.

برزو ارجمند: دلیل حضور من در این فیلم فقط رفاقت با مهدی کرم‌پور است. از این رفاقت ۱۰،۱۲ سال می‌گذرد و زمانی که به من زنگ زد تا سر فیلمبرداری حاضر شوم، خیلی زود پذیرفتم.

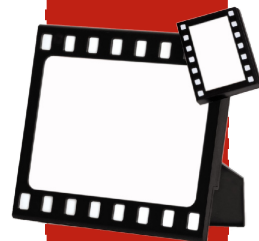
کرم‌پور (در خصوص تعدد بازیگران و استفاده از نریشن در فیلم): هر فیلمنامه‌ای نیاز به بازیگر دارد و من این شانس را داشتم که بتوانم از بازیگران خوب برای کاراکترهایم استفاده کنم. روایت فیلم را اول شخص مفرد انجام می‌دهد و این مساله را از ابتدا تا انتها در فیلم می‌بینیم. کل فیلم فلاش‌بک است و پلان ابتدایی و انتهایی فیلم را به هم متصل می‌کند.

خسرو نقیبی (در خصوص مشخص نشدن وضعیت شخصیت صبوری): صبوری در ایران زندگی نمی‌کرد و این که ما او را نمی‌بینیم دلیل حضور نداشتن او در فیلم نیست.

قصه این فیلم در سال ۸۸ اتفاق افتاده است و تنش‌های آن نیز مربوط به همان سال است. همه رویدادها دقیقاً برای همان چند روز است و قصه هم درست سر جای خودش است.

## من همسرش هستم - ۱۸ بهمن

نشست نقد و بررسی سینمایی «من همسرش هستم» با حضور مصطفی زمانی (بازیگر)، مصطفی شایسته (کارگردان)، نازنین مفخم



شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین‌المللی  
فیلم فجر





تدوین گر)، آنتونیا شرکا (منتقد)، نازنین لیقوانی (نویسنده)، سارا سمیعی (طراح صحنه و لباس) و محمود گبرلو مجری کارشناس در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

مصطفی شایسته: نقاط ضعفی که منتقدان برمی شمارند، ارتباطی به فیلم نامه ندارد و همه مربوط به خواسته و نظر من بود ما از بین خانواده های مختلفی که در جامه امروزی وجود دارند. خانواده ای را در نظر گرفتیم که با یکدیگر این گونه رفتار می کنند.

مصطفی زمانی: وقتی که فیلم نامه را خواندم احساس کردم که شاید این نقش برای من سخت باشد چون این نقش دور از زندگی من بود و باید نقش پدری را که صاحب دو فرزند است، ایفا می کردم اما آقای شایسته اصرار داشتند که من این نقش را بازی کنم که من برای این فیلم چیزی حدود ۱۵ کیلو وزن اضافه کردم و سعی کردم نقش مردی تنبل و بی حرکت را از خود نشان دهم.

نازنین لیقوانی: فیلم نامه نویس آنچه را که می نویسد باید از صافی ذهن کارگردان عبور کند و یک فیلم زمانی تمام می شود که فیلم نامه نویس قلم را زمین بگذارد و کارگردان نیز کات پایان را می دهد.

آنتونیا شرکا: در فیلمی که نویسنده آن خانم است، برای ما منتقدان خانم که به دنبال نگاه زنانه در فیلم ها می گردیم نشانه هایی در فیلم وجود دارد که می توان به درد دل زنانه دو دوست و تلفنی حرف زدن های آنها اشاره کرد اما مشکلی که وجود دارد، این است که در کل ساختار فیلم احساس پختگی نمی کنیم. از بعد کارگردانی نیز حس و لحظه ها درست از آب درنیامده است.

شایسته: ما در پایان کار خواستیم به این نتیجه برسیم که آنها به یک زندگی مسالمت آمیز رضایت داده اند.

## پیشونی سفید - ۱۹ بهمن

نشست خبری فیلم سینمایی «پیشونی سفید» با حضور سیدجواد هاشمی (کارگردان)، محمدرضا شریفی نیا، مسعود اطیابی، سید جواد هاشمی، امین زندگانی، ترلان پروانه (بازیگران)، علی علایی (منتقد)، محمود گبرلو مجری کارشناس، در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

سیدجواد هاشمی: در روزگاری که فرزندان ما شبکه های غربی را می بینند ما کار فاخر کودک انجام داده و یادآور کلام خداوند شدیم. وی با اشاره به این که نویسنده در ایران همانند فوتبال است که به سرزمین دیگری تعلق دارد، خاطر نشان کرد: ضعف فیلم نامه های ما ضعف سینمای ایران هستند و امیدوارم روزی نوشته کسی را بسازم که بتواند حق مطلب را ادا کند

برای ساخت فیلم «پیشونی سفید» از تمام تجربیات خود استفاده کردم ولی موافقم که نوشته آن ضعیف است.

کارگردان «پیشونی سفید» یادآور شد: زمانی که می خواستم این پروژه را آغاز کنم، خواستم از کمک های دولتی استفاده کنم ولی گفتند نام اطیابی (تهیه کننده فیلم) را حذف کن تا نصف پول را به تو بدهیم، من نیز که با این کار مخالف بودم با برخی از عوامل فیلم صحبت کردم و با همکاری آن ها و فروش ماشینم یک کار جدی برای کودکان ساختم.

سیدجواد هاشمی در ادامه گفت: زمانی که این فیلم در جشنواره کودک اکران شد، انتظار داشتم که مرکز گسترش فیلم های تجربی و مستند فقط حمایت های مادی نداشته باشند و کاش یک نفر می آمد و تشکر می کرد.

او ادامه داد: حتی دوست داشتم آقامحمدیان در جشنواره کودک روی صحنه بیاید و بگوید ما پول دادیم تا این فیلم ساخته شود.

هاشمی در ادامه نشست اظهار کرد: یکی از اعتراض هایی که نسبت به ساخت فیلم «پیشونی سفید» به من ارائه شد، این بود که چرا در فیلم رقص وجود دارد، در حالی که من فیلم را برای بچه ها ساختم و گویا اصلا آن ها نمی دانند که فیلم کودک چیست؟

مسعود اطیابی: امسال فیلم های جشنواره را ندیده ام اما ادبیات و واژه هایی را از آن ها شنیده ام که نمی دانم ممیزی ها درباره این فیلم ها چگونه اعمال شده است؟

ممیزی حق مردم است و به آن اعتقاد دارم. تاکنون فیلمی را نساختم که اعضای یک خانواده نتوانند در کنار یکدیگر آن را ببینند و متاسفم برای ممیزی ها و این جامعه که می گویند فیلم من، رقص داشت. با ادبیاتی که در برخی فیلم ها وجود دارد، امنیت را از تماشاگر گرفته ایم ولی تاکید می کنم قرار نیست برای بچه ها اخم نشان دهیم. سینمای ایران سینمای شریفی است اما واقعا برخی واژه ها و ادبیات موجود در فیلم ها از بدترین رقص ها نیز بدتر هستند.

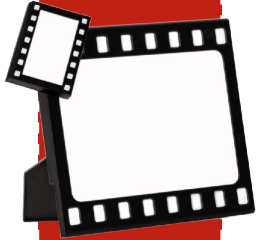
محمدرضا شریفی نیا: وظیفه اصلی سینمای ما این است که در رابطه با کودکان کار کنیم اما این در حالی است که به این سینما بهای کمی داده می شود و متاسفانه اگر دولت در این راستا فعالیت نکند، داشتن سینمای پر بار در ژانر کودک میسر نخواهد بود.

پس از سال ها شاید این نخستین اتفاقی بود که با استفاده از بازیگران حرفه ای فرصتی پیش آمد تا فیلمی در سینمای کودک ساخته شود.

بهنام صبحی: این کار بهانه خوبی بود تا پس از سال ها کار موزیکال، زمینه کار موزیکال کودک آغاز شود و فکر می کنم قدمی که برداشته شد می تواند فتح بایی برای این کار باشد.

در فیلم «پیشونی سفید» از انواع موسیقی ها همانند فولکور ایرانی و همچنین موسیقی پاپ و رپ استفاده شده است.

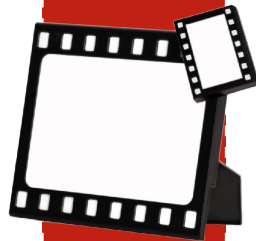
شهرام خلج: گریم فیلم «پیشونی سفید» را دوست داشتم ولی امیدوارم در قسمت های بعدی آن را جبران کنم.



شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر





شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



علی علایی: بدون هیچ طعنه‌ای می‌گویم بسیار خوشحالم از این که سید جواد هاشمی یک فیلم موزیکال ساخته است و این نشان می‌دهد آینده روشنی را برای سینمای ایران می‌توانیم انتظار داشته باشیم.

متأسفانه سینمای کودک دچار یک خسارت و بحران جدی شد و هیچ کس سراغ آن نرفت. و خوشحالم از این که امسال در جشنواره فیلم فجر چنین فیلمی وجود دارد.

سینمای کودک همین است که در آن قصه، فانتزی و آهنگ وجود داشته باشد. گلابه‌ای از فیلمنامه نیز داشتیم آن هم به دلیل ذهنیت‌هایی است که یک کودک از ماجرا می‌تواند داشته باشد.

مسعود اطیابی: فیلم «پیشونی سفید» پروانه نمایش دارد و حذف رقص های فیلم صحت ندارد زیرا رقصی در فیلم نیست.

سیدجواد هاشمی: من جزو آدم‌های مذهبی هستم و خوشحالم از این که انتظارات از من خیلی بالاست. من در این فیلم حرف نص قرآن را زدم ولی به شکلی کودکانه. این در حالیست که امروز بچه‌های ما ماهواره نگاه می‌کنند و حواس ما اصلا به این موضوع نیست. پس از ارائه فیلمنامه به امین زندگانی گفتم کدام شخصیت را دوست دارد که خودش «عجوزه» را انتخاب کرد.

## ■ برف روی کاج‌ها - ۱۹ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم «برف روی کاج‌ها» با حضور پیمان معادی (کارگردان)، سید جمال ساداتیان (تهیه کننده)، صابر ابر، مهناز افشار و ویشکاه آسایش (بازیگران)، سپیده عبدالوهاب (تدوینگر)، ایرج شهرزادی (صدابردار) و کارن همایون‌فر (آهنگساز)، چهارشنبه ۱۹ بهمن ماه در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف‌ها:

ساداتیان: زمانی که فیلمنامه را خواندم با توجه به اینکه در این سال‌ها دغدغه ذهنی‌ام موضوعات اجتماعی بوده، بسیار تحت تاثیر قرار گرفتم.

در چند اکرانی که فیلم را با مردم دیدم، واکنش‌ها بسیار خوب بود و امیدوارم این واکنش‌ها ادامه پیدا کند و ما شاهد پرداختن به موضوعات اجتماعی در فیلم‌های دیگر سینمای ایران هم باشد.

پیمان معادی: از همان زمان نوشتن این مساله در ذهنم بود که ما در فیلم مردی ۵۰ ساله و زنی در آستانه ۴۰ سالگی داریم. این بحران برای زوج‌هایی در این سن کمتر اتفاق می‌افتد و دوست داشتم حالا زن و مردی را داشته باشیم که این بحران برای‌شان اتفاق می‌افتد. دوست دارم سوالی در ذهن مخاطب باقی بماند و بتواند خودش را جای شخصیت‌های فیلم بگذارد که اگر خیانتی از نزدیکترین دوستان مان دیدیم، می‌توانیم این خیانت را بر ملا کنیم یا خیر. من از ۲۰۰ نفر پرسیدم و نتوانستم جواب درستی بگیرم.

دوست دارم در خصوص سیاه و سفید بودن فیلم خیلی حرف بزنم. من به خاطر انجام این کار آنقدر استرس داشتم که هفته‌ها از خواب می‌پریدم. من فیلمنامه را دو بار بر اساس فیلمبرداری سیاه و سفید بازبینی کردم و حتی در طراحی صحنه و لباس نیز روی این مساله کار شده بود.

خوشبختانه به دوربین بسیار خوبی برای فیلمبرداری این کار رسیدیم. این دوربین ۱۴ پرده خاکستری داشت و می‌توانستیم برای تک تک صحنه‌ها آن را تنظیم کنیم.

باید از همایون‌فر تشکر کنم چرا که ساخت موسیقی فیلم با فوت

پدرش مصادف شد و با وجود نامناسب بودن اوضاع روحی، توانست کار را تا انتها به بهترین نحو ممکن پیش ببرد.

همایون‌فر: زمان ساخت موسیقی دوران سختی را داشتم اما فیلمنامه زیبا و عاشقانه این کار و تجربه همکاری از معادی آنقدر خوب بود که در لحظات پایانی عمر پدرم حاضر نشدم استودیو را ترک کنم.

امیر پوریا (به عنوان منتقد و بازیگر فیلم، پشت تریبون): پیمان معادی این لطف را به من کرد و قبل از ساخت فیلمنامه را به من داد تا برای نظر دادن آن را بخوانم. خیلی از کارگردان‌ها این کار را انجام می‌دهند البته خیلی‌ها هم زمانی که فیلم ساخته شد و در واقع برای بازگیری، منتقدان این کار را انجام می‌دهند.

(با اشاره به حضور مسعود فراستی در برنامه هفت شب گذشته و اظهارنظر او درباره فیلم «جدایی نادر از سیمین»): اظهارنظرهای آقای فراستی مضحک است و بسیاری از مردم عادی و مسئولان فرهنگی که از خیلی مسائل سینمایی سردر نمی‌آورند باید بدانند که حرف‌های این منتقد غیر فرهنگی و سیاسی است.

صابر ابر: ما چیزی حدود سه ماه تمرین داشتیم و لحظات خوب و بکری را کشف کردیم. این شیوه تمرین کردن بسیار جذاب بود و امیدوارم در پروژه‌های بعدی هم ادامه داشته باشد. در تئاتر اجرای هر شب باعث می‌شود ما کامل شویم اما در این کار تمرین‌های مداوم باعث کامل شدن ما شد.

معادی (در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران مبنی بر اینکه چرا پیانو زدن مهناز افشار در این فیلم زیاد نبود): خانم افشار یک مقدار پیش زمینه داشت و همچنین برای بازی در این فیلم دو معلم پیانو او را همراهی کردند. معلمی که اصول اولیه را یاد داد تا ما در گرفتن برخی صحنه‌ها مشکل نداشته باشیم و معلم دیگر هم معلمی بود که خانم افشار بر خود هنرجوهایش را با او می‌دید.

شما وقتی پیانو درس می‌دهید، خیلی کم پیش می‌آید پیانو بزنید. من ۱۲، ۱۳ سال معلم پیانو داشتم و هیچ وقت به خاطر ندارم که پیانو زده باشد. این مساله را از چند نفر هم پرسیدم و همه این نظریه را تایید کردند.

من از باقی فیلم‌های این جشنواره که به موضوع خیانت می‌پردازد، خبر ندارم اما اگر می‌دانستم همه این فیلم‌ها در جشنواره امسال حضور دارند باز هم «برف روی کاج‌ها» را می‌ساختم.

ما در این سال‌های آنقدر خیانت کردن را از افراد دور و بر دیده‌ایم که به نظرم باید تا جای ممکن به این مساله بپردازیم. همچنین از همه آنهایی که برای‌شان سوال است چقدر تحت تاثیر اصغر فرهادی هستیم، باید بگویم آنقدر از او یاد گرفته‌ام که حرف خودم را بزنم و خودم باشم که فکر می‌کنم نیازی به تقلید کردن از او ندارم. امیدوارم خدا اصغر فرهادی را برای سینمای ایران نگه دارد.

## ■ جواب می‌آد - ۱۹ بهمن

نشست نقد و بررسی فیلم «جواب می‌آد» با حضور رضا عطاران (کارگردان و بازیگر)، جواد فرحانی (تهیه کننده)، هومن بهمنش (مدیر فیلمبرداری)، فرشید احمدی (صدابردار)، مریلا زارعی (بازیگر) و نیما حسینی نسب (منتقد) برگزار شد.

گزیده حرف‌ها:

رضا عطاران: تجربیات زیادم در حوزه کارگردانی، دغدغه حضور در سینما را برایم به وجود آورده بود. سال گذشته طرح اصلی این فیلم توسط حمید نعمت‌اله به من رسید، جذابیت این داستان دلیلی برای ساخت اولین سینمایی بود.



از یک تفاوت است. آن چه که از عکس العمل های تماشاچیان سالن دیدم همان انتظاری بود که از روند فیلم داشتیم. پس باز هم معتقدم این پایان برای فیلم لازم بوده است. مسئله اصلی تفکری است که نسبت به ایجاد تفاوت دارم، و فکر می کنم باز هم تجربیاتی از این دست انجام دهم.

رضا عطاران: من آدم رکبکی هستم. تغییر هم نمی کنم. از نظر من خیلی از این مواردی که شما به عنوان شوخی رکبکی از شما یاد می کنید مسائلی است که در تمام زندگی شما در جریان است. هیچ کدام از این بخش ها مثل فحش دادن و مسائل جنسی، مواردی نیست که نخواهیم از آن ها صحبت کنیم. هرچند که باید بگویم نگران نباشید من متعلق به سینمای سخیف هستم.

حسنی نسب: تصویر سینمای ما در کمدی و غیر کمدی شبیه جامعه ای نیست که در آن زندگی می کنیم. هیچ کدام از ما نه آنقدر با ادب هستیم و نه آدم هایی با اصول اخلاقی که از این شوخی ها ناراحت شویم و آن ها را رکبکی بخوانیم. اگر شما به ادبیات شفاهی و مکتوب کشورمان هم دقت کنید چنین شوخی هایی در تمام سطوح مستطرا است. بهتر است با این انتقادهای، کسی را که توانسته با حرکت به روی لبه تیز این تیغ، با هوشمندی و ذکاوت خود از یک جریان معمول گذر کند و در یک کمدی معین شناخته شده، پایانی رادیکالی را انتخاب کند، اجازه ایجاد تغییر را بدهید. کسی که از این فضای شسته رفته و قاعده مند کمدی دور شده، نیازمند در اختیار داشتن فضایی برای ادامه راه است. از نظر من نمونه های اخلاقی این گونه شوخی ها در کمدی های اینچینی دیده می شود.

بهمنش: اصولاً من کار کمدی قبول نمی کنم و در کارنامه ام این نخستین کاری است که در ژانر کمدی انجام داده ام. زمانی که فیلمنامه به من پیشنهاد شد، غیر متعارف بودن آن در مقایسه با سینمای کمدی دلیل اصلی قبول آن بود. به خصوص پایان فیلم که عطاران تا لحظه آخر با استرس نسبت به حذف آن تصمیم گرفت.

جواد فرحانی: بازی اکبر عبدی به عنوان یک زن، یک نوآوری محسوب می شود. وقتی که مردی تماماً به عنوان یک زن جلوی دوربین قرار بگیرد. این انتخاب علاوه بر توانایی فراوان اکبر عبدی در بازی های این چنینی، به خاطر محدودیت هایی بود که برای این نقش دچار ممیزی های بسیار می شد.

مریلا زارعی: من تعریف سینمای سخیف و فاخر، با ادب و بی ادب را نمی فهمم. به نظر من سینما یک رسالت مشخص دارد که هر فیلمی باید بر مخاطبان خود تأثیر مشخص داشته باشد. من به عنوان یک بازیگر که سال هاست در این سینما بر پرده نقره ای دیده شدم، معتقدم این فیلم پر از نکات اخلاقی و روابط انسانی است. نکات عمیقی که در تک تک سکانس های فیلم موجود است.

هومن بهمنش: اصحاب رسانه به مسائل فنی برای یک فیلم اهمیت نمی دهند. این فیلم امروز بر پرده سینما با مشکلات فراوانی در تصویر پخش شد. کیفیت آن چه که شما امروز شاهد بودید در تبدیلی که از دیجیتال به ۳۵ در یک لابراتوار آماتور انجام شد، مورد رضایت هیچ کدام از گروه فیلمبرداری نبوده است. تبدیل فیلم در این لابراتوار بدون هماهنگی با من صورت گرفته است. امیدوارم در نسخه های بعدی این فیلم را با رنگ و لعاب و کیفیت اصلی خود ببینید.

مهران احمدی (صدابردار): ما اسیر مشکلات سالن ها هستیم. هر سالن سینمایی دارای یک نوع کیفیت صداست. امیدوارم روزی به یک استاندارد مشخصی برای تمام سالن ها برسیم.

نیما حسنی نسب (با اشاره به سابقه مفصل رضا عطاران که با کیفیت و کمیت قابل قبولی بوده است): رضا عطاران به دلیل این سابقه طولانی و کیفیتی که از کارهای خود در ذهن مخاطب ایجاد کرده است، بیشتر مورد قضاوت قرار می گیرد. مخاطبان عطاران، او را با بازی ها و کارگردانی های متعددش در تلویزیون می شناسند، پس حالا عطاران در قاب سینمای ایران به عنوان کارگردان اولی شناخته نخواهد شد.

حسنی نسب: فیلم «خوابم می آد» دو قسمت دارد. قسمت اول این فیلم که با لحن همیشگی عطاران است و مربوط به قبل از سرقت می شود، قدرت و تخصص او را می رساند. کارگردان این فیلم در بیان جزئیات و مسائل ریزبینانه زندگی های معمولی تبحر و ویژگی خاصی دارد. این تبحر در یک سوم اولیه فیلم نیز در دکور، طراحی لباس، چهره و دکوپاژ، دیالوگ ها و طنز های موقعیت و کلام، کاملاً موفق عمل کرده است. اما در نیمه دوم فیلم با بیان یک آدم ربایی فانتزی از فضای تخصصی کارگردان خود دور شده و طنز رئال عطاران در نیمه دوم فراموش می شود و تفاوت فاحشی را ایجاد می کند. حتی به نظر می رسد که نیمه انتهایی فیلم در تلاش برای پهلوی زدن به فیلم های خارجی است. این اتفاقات کیفیت فیلم را دچار مشکل و تناقض می کند.

عطاران: هر حرفی را که دیروز در صحبت هایم به نیما گفتم حالا در تحلیل هایش استفاده می کند. این تغییر لحن به صورت کاملاً آگاهانه ای بود. سعی کردم با تغییر مسیر شوخی هایی که ابتدای فیلم بود و نشانه هایی از کار اصلی رضا عطاران را داشت، به تفاوتی تازه دست یابم. هرچند معتقدم این اشکالی که در تغییر مسیر اتفاق افتاده است به خاطر حضور رضا عطاران است. اگر «خوابم می آد» فیلم کس دیگری جز من بود، این تغییر پذیرفته می شد. شناخت و پیش زمینه ای که نسبت به من وجود داشته است دلیل اصلی این ناراحتی است. هدف اصلی ساخت اثر متفاوتی بود که در بخش دوم دیدید. اگر در قسمت اول شاهد فیلم عطارانی بودید، به این خاطر بود که می خواستم تماشاچی خود را که با ذهنیت به سالن آمده است در سالن نگه دارم. از طرفی پایان مرگ برای یک کمدی نشان



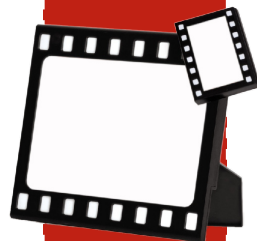
شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



گزارش ارزیابی داوری در تاریخ برگزاری جشنواره فیلم فجر - بخش سوم

# نگاهی به تفاوت نگاه داوران و منتقدان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹



شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر



۱۲

## ■ برگزیدگان چهاردهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۲)

بهترین فیلم: مهمان مامان (داریوش مهرجویی) / منتقدان: مهمان مامان

بهترین کارگردانی: احمدرضا درویش (دوئل) / منتقدان: داریوش مهرجویی (مهمان مامان)

بهترین فیلم‌نامه: مارمولک (پیمان قاسم خانی) / منتقدان: حمید نعمت الله (بوتیک)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: بهرام رادان (شمعی در باد) / منتقدان: پرویز پرستویی (مارمولک)

بهترین بازیگر نقش اول زن: گوهر خیراندیش (رسم عاشق کشی) / منتقدان: گلشیفته فراهانی (بوتیک)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: کامبیز دیرباز (دوئل) / منتقدان: پارسا پیروزفر (مهمان مامان)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: مریلا زارعی (سربازهای جمعه) / منتقدان: مریلا زارعی (سربازهای جمعه)

بهترین فیلمبرداری: بهرام بدخشانی (دوئل) / منتقدان: بهرام بدخشانی (دوئل)

بهترین تدوین: مصطفی خرقه پوش (دوئل) / منتقدان: مهدی حسینی وند (مهمان مامان) و بهرام دهقانی (مزرعه پدری)

بهترین موسیقی متن: محمدرضا علیقلی (خداحافظ رفیق) / منتقدان: پیمان یزدانیان (مزرعه پدری)

## ■ برگزیدگان بیست و سومین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۳)

بهترین فیلم: خیلی دور، خیلی نزدیک (رضا میرکریمی) / منتقدان: خیلی دور، خیلی نزدیک

بهترین کارگردانی: مجید مجیدی (بید مجنون) / منتقدان: رضا میرکریمی (خیلی دور...)

بهترین فیلم‌نامه: کامبوزیا پرتوی (کافه ترانزیت) / منتقدان: رضا میرکریمی و محمدرضا گوهری (خیلی دور...)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: پرویز پرستویی (بید مجنون) / منتقدان: مسعود رایگان (خیلی...)

بهترین بازیگر نقش اول زن: فرشته صدرعرفایی (کافه ترانزیت) / منتقدان: فرشته صدر عرفایی (کافه ترانزیت)

بهترین فیلمبرداری: حمید خضوعی ابیانه (خیلی دور، خیلی نزدیک) / منتقدان: حمید خضوعی ابیانه (خیلی ...)

بهترین تدوین: سعید شاهسواری (ما همه خوبیم) / منتقدان: بهرام دهقانی (خیلی...)

بهترین موسیقی متن: محمدرضا علیقلی (خیلی دور، خیلی نزدیک) / منتقدان: محمدرضا علیقلی (خیلی...)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: خسرو شکیبایی (سالاد فصل) /

منتقدان: خسرو شکیبایی (سالاد فصل)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: لیلا زارع (ما همه خوبیم) / منتقدان: لیلا زارع (ما همه خوبیم)

## ■ برگزیدگان بیست و چهارمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۴)

بهترین فیلم: به نام پدر (ابراهیم حاتمی کیا) / منتقدان: چهارشنبه سوری

بهترین کارگردانی: اصغر فرهادی (چهارشنبه سوری) / منتقدان: اصغر فرهادی (چهارشنبه سوری)

بهترین فیلم‌نامه: انتخاب نشد / منتقدان: اصغر فرهادی و مانی حقیقی (چهارشنبه سوری)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: پرویز پرستویی (به نام پدر) / منتقدان: حمید فرخ نژاد (چهارشنبه سوری)

بهترین بازیگر نقش اول زن: هدیه تهرانی (چهارشنبه سوری) / منتقدان: هدیه تهرانی (چهارشنبه سوری)

بهترین فیلمبرداری: محمد داوودی (زمستان است) / منتقدان: حسین جعفریان (چهارشنبه سوری)

بهترین تدوین: هایده صفی یاری (چهارشنبه سوری) / منتقدان: هایده صفی یاری (چهارشنبه سوری)

بهترین موسیقی متن: محمد رضا درویشی (شهر آشوب) / منتقدان: پیمان یزدانیان (چهارشنبه سوری)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: حمید لولایی (چند می‌گیری گریه کنی؟) / منتقدان: بیژن امکانیان (تقاطع) و امید روحانی (کارگران مشغول کارند)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: مهتاب نصیر پور (به نام پدر) / منتقدان: ترانه علیدوستی (چهارشنبه سوری)

برگزیدگان بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر (بهمن ۱۳۸۵)

بهترین فیلم: روز سوم (علیرضا جلالی) / منتقدان: خون بازی

بهترین کارگردانی: انتخاب نشد / منتقدان: کیومرث پور احمد (اتوبوس شب) و داریوش مهرجویی (سنتوری)

بهترین فیلم‌نامه: رخشان بنی اعتماد، فرید مصطفوی، محسن عبدالوهاب و نغمه ثمینی (خون بازی) / منتقدان: کیومرث پور احمد و حبیب احمد زاده (اتوبوس شب)، داریوش مهرجویی و محمدی فر (سنتوری)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: بهرام رادان (سنتوری) / منتقدان: بهرام رادان (سنتوری)

بهترین بازیگر نقش اول زن: باران کوثری (خون بازی) و روز سوم / منتقدان: باران کوثری (خون بازی)

بهترین فیلمبرداری: حمید خضوعی ابیانه (پا برهنه در بهشت) / منتقدان: محمود کلاری (خون بازی)

بهترین تدوین: سپیده عبدالوهاب (خون بازی) / منتقدان: بهرام دهقانی (اتوبوس شب)

بهترین موسیقی متن: انتخاب نشد/ منتقدان: اردلان کامکار و محسن چاوشی(سنجوری)  
 بهترین بازیگر نقش دوم مرد: افشین هاشمی (پا برهنه در بهشت)/ منتقدان: مهرداد صدیقیان(اتوبوس شب)  
 بهترین بازیگر نقش دوم زن: پانته‌آ بهرام (بچه‌های ابدی)/ منتقدان: بیبا فرهی(خون بازی)

■ **برگزیدگان بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۳)**

بهترین فیلم: به همین سادگی (سیدرضا میرکریمی)/ منتقدان: به همین سادگی  
 بهترین کارگردانی: مجید مجیدی (آواز گنجشک‌ها)/ منتقدان: رضا میرکریمی (به همین سادگی)  
 بهترین فیلمنامه: سیدرضا میرکریمی و شادمهر راستین (به همین سادگی) / منتقدان: رضا میرکریمی و شادمهر راستین (به همین سادگی)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: امین حیایی (شب)/ منتقدان: رضا ناجی(آواز گنجشک‌ها)

بهترین بازیگر نقش اول زن: هنگامه قاضیانی (به همین سادگی)/ منتقدان: هنگامه قاضیانی (به همین سادگی)

بهترین فیلمبرداری: حسین جعفریان (دیوار)/ منتقدان: تورج منصوری(آواز گنجشک‌ها) و بایرام فضلی(تنها دوبار زندگی می‌کنیم)

بهترین تدوین: حسن حسندوست (آواز گنجشک‌ها)/ منتقدان: ...

بهترین موسیقی متن: حسین علیزاده (آواز گنجشک‌ها)/ منتقدان: حسین علیزاده(آواز گنجشک‌ها)

بهترین بازیگر زن نقش مکمل: مهتاب نصیرپور (فرزند خاک)/ منتقدان: مهتاب نصیرپور(آواز گنجشک‌ها)

بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: محسن طنابنده (استشهادی برای خدا)/ منتقدان: بابک حمیدیان(ریسمان باز)

■ **برگزیدگان بیست و هفتمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۷)**

بهترین فیلم: تردید (سعید سعدی)/ منتقدان: درباره‌الی

بهترین کارگردانی: اصغر فرهادی (درباره‌الی)/ منتقدان: اصغر فرهادی (درباره‌الی)

بهترین فیلمنامه: ابوالحسن داودی و فرید مصطفوی (زادبوم)/ منتقدان: اصغر فرهادی(درباره‌الی)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: شهاب حسینی (سوپراستار)/ منتقدان: محمدرضا فروتن(عیار ۱۴)

بهترین بازیگر نقش اول زن: لیلا حاتمی (بی‌پولی)/ منتقدان: لیلا حاتمی (بی‌پولی)

بهترین فیلمبرداری: مرتضی پورصمدی (شبهانه روز)/ منتقدان: حسین جعفریان(درباره‌الی)

بهترین تدوین: بهرام بیضایی و سپیده عبدالوهاب (وقتی همه خوابیم)/ منتقدان: هایده صفی یاری(درباره‌الی)

بهترین موسیقی متن: کارن همایونفر (زادبوم)/ منتقدان: فردین خلعتبری(پستیچی سه بار در نمی‌زند)

بهترین بازیگر زن نقش مکمل: مهتاب کرامتی (بیست)/ منتقدان: مریلا زارعی(درباره‌الی)

بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: علیرضا خمسه (بیست)/ منتقدان: علیرضا خمسه(بیست)، صابر ابر(درباره‌الی)

■ **برگزیدگان بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۸)**

بهترین فیلم: «به رنگ ارغوان» سیدجمال ساداتیان/ منتقدان: به رنگ ارغوان

بهترین کارگردانی: ابراهیم حاتمی‌کیا «به رنگ ارغوان» / منتقدان: ابراهیم حاتمی‌کیا (به رنگ ارغوان)

بهترین بازیگر نقش اول مرد: محسن طنابنده «سنگ اول» و «هفت دقیقه تا پاییز» / منتقدان: مهدی هاشمی(هیچ)

بهترین بازیگر نقش اول زن: نگار جواهریان «طلا و مس» / منتقدان: نگار جواهریان(طلا و مس)

بهترین فیلمنامه: همایون شهنواز و شهرام اسدی «شب واقعه» / منتقدان: عبدالرضا کاهانی و حسین مهکام(هیچ)

بهترین فیلمبرداری: حسن کریمی «به رنگ ارغوان»/ منتقدان: تورج اصلانی(بدرود بغداد)

بهترین تدوین: حسین غضنفری «شب واقعه» / منتقدان: حسن حسندوست(کیفر)، ابراهیم حاتمی‌کیا و سهراب خسروی(به رنگ ارغوان)

بهترین بازیگر نقش دوم زن: شیرین یزدان‌بخش «لطفاً مزاحم نشوید»/ منتقدان: نگار جواهریان(هیچ)

بهترین بازیگر نقش دوم مرد: مهدی فقیه «ملک سلیمان» / منتقدان: مهران احمدی(هیچ)

بهترین موسیقی: بهزاد عبدی «آل» و جان کونگ وینگ «ملک سلیمان»/ منتقدان: حامد ثابت(پرسه در مه)

بهترین بازیگر زن نقش مکمل: مهتاب نصیرپور (فرزند خاک)/ منتقدان: مهتاب نصیرپور(آواز گنجشک‌ها)

بهترین بازیگر مرد نقش مکمل: محسن طنابنده (استشهادی برای خدا)/ منتقدان: بابک حمیدیان(ریسمان باز)

■ **برگزیدگان بیست و نهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۹)**

بهترین فیلم: «جرم» مسعود کیمیایی/ منتقدان: جدایی نادر از سیمین

بهترین کارگردانی: اصغر فرهادی «جدایی نادر از سیمین»/ منتقدان: اصغر فرهادی (جدایی نادر از سیمین)

بهترین فیلمنامه: اصغر فرهادی «جدایی نادر از سیمین»/ منتقدان: اصغر فرهادی(جدایی نادر از سیمین)

بهترین بازیگر مرد: مهدی هاشمی «آقا یوسف»/ منتقدان: پیمان معادی(جدایی نادر از سیمین)

بهترین بازیگر زن: ویشکا آسایش «ورود آقایان ممنوع»/ منتقدان: لیلا حاتمی(جدایی نادر از سیمین)

بهترین بازیگر مکمل مرد: حامد بهداد «جرم»/ منتقدان: شهاب حسینی(جدایی نادر از سیمین)

بهترین بازیگر مکمل زن: مهناز افشار «سعادت آباد» / منتقدان: ساره بیات(جدایی نادر از سیمین)

بهترین فیلمبرداری: محمود کلاری «جدایی نادر از سیمین»/ منتقدان: محمود کلاری(جدایی نادر از سیمین)

بهترین تدوین: واروژ کریم مسیحی «ندارها»/ منتقدان: هایده صفی یاری(جدایی نادر از سیمین)

بهترین موسیقی: کارن همایونفر «جرم»/ منتقدان: کارن همایون فر(جرم)



# مشنواره آن لاین

بهدادی مهر، آرش رضانیان، علی زادمهر، آیدا عزتی، امید عشیری، سمیه قاضی زاده، مهدیس مستعد، مریم نادی، الهام نداف

مدیر هنری: استودیو سی نت

عکس: حمید شاهوند، مهدی رمضان زاده، آرش عاشوری نیا  
با تشکر از: فرانک آرتا، محسن آزاددل، فرهاد خالدار، سیدرضا صائمی، زرنوش محمدی، سیده مریم مطلب پور، امیررضا نوری پرتو

روی جلد: پیمان معادی و ویشکا آسایش، مهناز افشار و صابر ابر  
در نشست پرسش و پاسخ فیلم برف روی کاجها - عکس: زرنوش محمدی

## نشریه اینترنتی سی امین جشنواره فیلم فجر

شماره سوم - ۲۰ بهمن ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: روابط عمومی سی امین جشنواره فیلم فجر  
مدیرمسئول: سیداحمد دانش  
سردبیر: احمد شاهوند

با همکاری: مرضیه ابراهیمی، زهرا اسلامی، احمد اکبری، نیما



رضا عطاران و پانته آ بهرام - بی خود و بی جهت (عبدالرضا کاهانی)

## برنامه روز نهم و دهم مرکز همایش های برج میلاد

شنبه ۲۲ بهمن

۱۳:۰۰ زبان مادری (قربان محمدپور)  
۱۵:۳۰ تهران ۱۵۰۰ (بهرام عظیمی)  
۱۸:۱۵ پله آخر (علی مصفا)  
۲۰:۴۵ راه بهشت (مهدی صباغزاده)  
۲۳:۰۰ شیرین قناری بود (داود توحیدپرست)

جمعه ۲۱ بهمن

۱۳:۳۰ بی خود و بی جهت (عبدالرضا کاهانی)  
۱۵:۳۰ همه چی ارومه (مصطفی منصوریار)  
۱۷:۳۰ بغض (رضا درمیشیان)  
۱۹:۳۰ یک روز دیگر (حسن فتحی)  
۲۱:۳۰ روزهای زندگی (پرویز شیخ طادی)  
۲۳:۳۰ دوازده صندلی (اسماعیل براری)

شماره سوم  
۲۰ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی  
سی امین  
جشنواره بین المللی  
فیلم فجر

### جدول ارزشگذاری نویسندگان بر فیلم های ایرانی جشنواره - روزهای پنجم، ششم و هفتم

امیررضا نوری پرتو	سیده مریم مطلب پور	زرنوش محمدی	سیدرضا صائمی	احمد شاهوند	فرهاد خالدار	نیما بهدادی مهر	احمد اکبری	مجتبی اردشیری	محسن آزاددل	فرانک آرتا	
	۱/۲*	**		**				**	**	**	یکی می خواد ...
۱/۲*	۱/۲*	**۱/۲*	**	**	**۱/۲*	*	*	**	**	**	برف روی کاج ها
*	**	۱/۲*		**۱/۲*	*	*	۱/۲	۱/۲	**۱/۲*	*	ملکه
*	۱/۲	**	**	**۱/۲*	۱/۲			O	**		زندگی خصوصی میم
O	*		۱/۲	۱/۲	**۱/۲*	**۱/۲*	۱/۲	**۱/۲*	**۱/۲*	**	خوابم می آد
	۱/۲	**۱/۲*		*				*	*		یه عاشقانه ساده
۱/۲	*	*	*	۱/۲	۱/۲			*	*	**	پل چوبی
O		*		*	O	O	O	۱/۲	*		چک
		*		**۱/۲*	O	۱/۲	O	۱/۲	**۱/۲*		پنهان
O	**	O		۱/۲	O	O	O	۱/۲	۱/۲	*	آمین خواهیم گفت
O		۱/۲		O	O	O	O	O	O		آزمایشگاه

\*\*\*\* = عالی    \*\*\* = خیلی خوب    \*\* = خوب    \* = متوسط    O = ضعیف    O = ضعیف

